

سیره‌های تزئینی در ایران

ماه مهر گلستانه

وقتی از ایران صحبت میکنیم نمی‌توانیم خود را به محدوده جغرافیائی فعلی ایران محدود سازیم در این فلات بزرگ و سرزمینهای وابسته به آن اقوام گوناگونی در طی هزاران سال میزیسته‌اند که با هم در ارتباط بوده‌اند.

به همین دلیل اشیاء سفالینی که در تورنگ تپه گرگان یا در تپه سیالک کاشان و یا در شوش پیدا شده خیلی به یکدیگر شبیه هستند.

قدیمترین تمدنی که در فلات ایران بدست آمده نزدیک شهر مرو است و اروپائیان آنرا تمدن ANAU (آنا) خوانده‌اند و قدمت آنرا به نه هزارسال قبل از میلاد رسانده‌اند (۱). مردم آنروزی جو و گندم و ذرت را میشناخته‌اند و در ابزار خود مس بکار میبرده‌اند. در مغرب رودخانه سند در بلوچستان که امروز قسمتی از خاک پاکستان است آثار تمدن بزرگی بدست آمده که بنام "موهن جوادرد" مشهور شده است این شهر مدفون در زیر گل و لای رودخانه قدمتش به شش هزار سال قبل از میلاد میرسد در آثار باقی مانده در این شهر باستانی علاوه بر خانه‌های آجری، گرمابه‌های خصوصی و عمومی، قصور و معابد، نقش‌های دیواری زیبایی بدست آمده که تمدن مردم آن ناحیه را معلوم میسازد (۲).

در تپه سیالک کاشان آثار تمدنی یافت شده که باستانشناسان قدمت آنرا در حدود پنجهزارسال قبل از میلاد حدس زده‌اند. درنقش‌های روی سفال‌ها انواع و اقسام حیوانات، پرندگان بشکل سری نقش شده‌اند که در نوع خود شاهکار محسوب میشوند. در سایر نقاط ایران کاوشهایی بعمل آمده از قبیل تپه گرگان، تپه حصار دامغان و تپه گیان دماوند.

باید به این نکته نیز اشاره شود که در قسمتهای غربی فلات ایران و جلگه‌هایی که رودخانه‌های منشعب از کوهستانهای غربی در آن جاری است تمدنهای بزرگی وجود داشته‌اند. قدیمی‌ترین آنها سومریها بودند که در کشور عراق فعلی میزیسته‌اند و از تمدن پیشرفته‌ای برخوردار بوده‌اند. خط میخی را آنها اختراع نموده‌اند و خط و زبان خود را به عموم اقوام همجوار خود مثل ایلامیها، آکادیها، بابلیها، آشوریها داده‌اند.

تمدن سومری در حدود ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد بوده است. در همین زمان شهر اور کلدانیان که روزگار بزرگی و عظمتش از ۲۵۰۰ سال تا ۷۰۰ سال قبل از میلاد میرسد در یکی از مرقی‌ترین نوره‌های عمر دراز خود بسر میبرده. توانگران سومری کاخهایی میساخته‌اند چون سنگ نایاب بوده برای ساختمان بیشتر از آجر استفاده میکردند. دیوارهای سرخ را با نقش‌های آجری بشکل حلزونی و مثلث و مقرنس و لوزی و مشجر تزئین میکردند. دیوارهای دورنی را با گچ و بشکل ساده‌ای با نقاشی میپوشاندند ولی برای

۱- ویل نورانت - تاریخ تمدن - جلد اول - ص ۱۶۶ چاپ طهران ۱۳۲۷. بنا به گفته ویل نورانت احتمال دارد که در تخمین ۹۰۰۰ سال قبل از میلاد میالغه شده باشد.

۲- ویل نورانت - مشرق زمین فرهنگ هند - جلد اول ص ۵۷۸ چاپ طهران ۱۳۲۷، و ذبیح بهروز - کتاب خط و فرهنگ - چاپ طهران - صفحات ۱۵۴ - ۱۵۵

معابد از نقاط نور سنگ وارد میکردند. سرستونها و نقش های برجسته مسی را که در آنها سنگهای نیمه قیمتی نشانده بودند برای تزئین بکار میبردند. در حدود ۱۸ قرن قبل از میلاد مردمی بنام کاسی یا کاشی از فلات ایران سرازیر شده بابل را تسخیر نمودند و مدت ۴ قرن در آنجا فرمانروائی کردند. اقوام و تمدن ها و نقاط مختلف مانند: ترکستان، مصر، شوش، کیش، کرت، آشور، سومر، اکد، بابل، ایلام، کاسی، یهود و سایر اقوام آسیای باختری قطعاً در ایجاد و سیر تکامل هنر در فلات ایران مؤثر بوده اند (۳).

در مارلیک گیلان آثاری از قبیل مجسمه، زیورآلات، جامهای طلا و نقره یافت شده که قدمت آنها به هزارسال قبل از میلاد میرسد.

در لرستان و کوههای غربی ایران اشیاء مفرغی پیدا شده که به مفرغهای لرستان معروف است. مقارن آغاز هزاره دوم پیش از میلاد گروههای بزرگی از صحرائشینان آریائی نژاد از شمال داخل فلات ایران شدند. بعضی از آنها بطرف هند رفتند در میان آنها دسته هائی به نام مادها و پارس ها نامیده میشدند. در اواخر قرن هشتم پیش از میلاد مادها در غرب ایران فرمانروائی خود را تشکیل دادند و با کمک بابلیها و غیره دولت آشور را منقرض نمودند.

نوشته اند که یکی از شاهان ماد در هگمتانه یا همدان به عدد سیارات هفت گانه هفت دیوار کشید و هر دیوار را برنگ مخصوص یکی از سیارات آراست. در آئزمان ساختمانهای باشکوه بوجود آمد که بدنه آنها با نقوش آجری و یا گل پخته که شکل موجودات نو نوعی، انسان، درخت و اشکال دیگر که نمونه پاروری است پوشیده شد. همچنین آمده است که پادشاه ماد دختر خود را به پادشاه بابل داد و او برای این دختر باغات معلق که یکی از عجایب هفتگانه دنیای قدیم بود بوجود آورد.

بالاخره در اثر پیدایش امپراطوری هخامنشی و سازمان متمرکز آن ثبت وقایع در تاریخ ایران شروع میشود. کتیبه های بزرگ هخامنشی در سه زبان پارسی، ایلامی، اکدی، سازمانهای داریوش ها و کوروش ها را بما میشناساند.

عالیترین هنر ایرانی بمعنی حقیقی همیشه معماری و هنرهای تزئینی وابسته به آن بوده است. این برتری نه تنها در دوره هخامنشیان، پارت ها و ساسانیان بلکه در مورد هنر اسلامی نیز صادق است. مشخصاتی که در تمام آثار هنری هخامنشیان بظهور رسید بخوبی با ذوق هنری ملت ایران مطابقت داشت. نگاهی به نمونه هنر اصیل و درخشان هخامنشی یعنی کاخهای تخت جمشید می افکنیم: شکوه و عظمت استثنائی آن کاخها مرهون مصالح و تجربیات طولانی و استادی و مهارت سازندگان بود که بوسیله کشور گشائیهای شاهان فراهم آمده بود. پیکر تراشی و حجاری دیواری دوران هخامنشی در انوار بعد نفوذ و اثر کامل بجای نگذارد. ذوق، تناسب و وزن از مشخصات هنر هخامنشی است. با وجود اینکه هخامنشیان با یونانیها بوسیله سفرا مرتباً در رفت و آمد بودند حتی عده ای یونانی در دربار هخامنشی زندگی میکردند بقول پرفسور گدار "و با همه حساسیت نسبت به هنر یونان کمال مطلوب هنر هخامنشی بطور آشتی ناپذیری با هنر یونانی مغایرت داشت. در هنرها بخصوص نقاشیها و حجاریهای دیواری، هخامنشی ها اصرار داشتند که از تمدن قدیم و به تمام معنی از مشرق الهام گیرند" (۴).

در معماری کاخهای تخت جمشید رنگ عامل مهمی بوده. ستونهای سنگی و مجردی های طرفین

۳- ویل بیرانت تاریخ تمدن (جدول ضمیمه تاریخ خاور نزدیک) صفحه ۱۷۱ - چاپ طهران ۱۳۳۷

۴- پرفسور آندره گدار- هنر ایران، ترجمه بهرئز حبیبی، طهران ۱۳۵۸

درگاهها اینطور که اکنون بچشم می آید خاکستری رنگ نبوده بلکه سیاه و صیقلی و براق بوده اند. تیرهای چوبی و سقف ها نیز تزئینات رنگی داشته اند. مابین ستونهای کنار کاخ ها پرده هائی آویخته بوده که بنا بگفته " آتته " رئیس تشریفات دربار اسکندر تصویر حیوانات گوناگون بسیار زیبا بر آن نقش بوده است . بعلاوه صورت و طرح بدن و لباس بعضی از اشخاص حجاری شده رنگ های تند و پررنگ داشته اند. بنظر پروفیسور گدار " هنر هخامنشی در عین لطافت از روحی وحشی نیز نیرو میگرفته است ."

" آتته " میگوید : نقش های دل انگیز داستان عاشقانه زیر و هودات در اغلب معابد و قصرها و منازل هخامنشیان به رنگها و فرم های گوناگون دیوارها را تزئین میکرده است .

نکته قابل توجه اینست که در تخت جمشید با آنهمه حجاری از صورتهای اهورمزدا ، پادشاهان ، سپهبدان ، خراج گزاران ، سربازان و غیره حتی يك تصویر و فرم و قیافه زن دیده نمیشود دلیل آنرا نمیدانم امیوارم مورخین در آینده به این سؤال جواب عنایت فرمایند .

هنگامیکه در سال ۲۳۰ پیش از میلاد اسکندر تخت جمشید را به آتش کشید نه تنها پایتخت ایران بلکه خاطره قدرت و عظمت ایران را نابود کرد . در اینجا سئوالی مطرح میشود، آیا تخت جمشید پایتخت بوده است ؟ آیا آتش سوزی آن عمدی بود یا تصادفی آیا پرسپولیس به یکباره سوخته است ؟ (۵) به یکی از قدیمی ترین نقاشی های دیواری که احتمالاً متعلق به سه قرن قبل از میلاد و در حدود سالهای حمله اسکندر به ایران است اشاره ای میشود :

" الکساندر مونگیت " در کتاب خود بنام باستان شناسی در اتحاد جماهیر شوروی تصویری از يك مجلس سوگواری برای سیاوش را شرح میدهد که آنرا از نقش های دیواری شهر پنج کند واقع در دره زرافشان بفاصله ۶۸ کیلومتری شهر سمرقند بدست آورده است . در این نقش زنان گریبان دریده اند و بر سر و سینه خود میکوبند ، عمارى بر نوح چند نفر است و سیاوش در عمارى خفته همانطور که میدانید سرود کین سیاوش تا قرنهای بعد باقی ماند بطوریکه نظامی گنجوی به سی لحن بارید اشاره میکند و یادى از این سرود مینماید (۶) .

در زمان بعد از اسکندر، دوران سلوکی ها و اشکانیان زمان توجه به هنر یونان قدیم بود. متأسفانه آثار زیادی از سلوکی ها که ۱۵۰ سال و پارت ها که قریب ۴۵۰ سال بر ایران حکومت کردند در دست نیست . زیرا تلاش ساسانیان بر این بود که کلیه آثار باقی مانده در دوران اشکانی از بین برود. تا آنجا که میدانیم دیوارهای کاخ های اشکانی در بین النهرین از بیرون اندود و یا استادانه با سنگ نماسازی شده و دارای ستونهای قوی بودند در بالای آنها نقوشی از نباتات و حیوانات ترسیم شده بود که مقتبس از هنر یونانی بحساب میآمد .

" فیلوسترات " نویسنده معاصر آنزمان درباره تالار بی نظیر کاخ یکی از پادشاهان اشکانی چنین میگوید " تالاری است با سقف مربع به سنگ های لاجورد درخشان برنگ آسمانی . در زمینه آبی رنگ سنگها ، با طلا شکل خدایان که مانند ستاره های آسمان میدرخشیدند نقش شده " (۷) .
طرحهای ساختمانهای شاهی در دوران اشکانی مقتبس از شرق بود و نمای خارجی به سبک رومی یا

۵- برای بررسی بیشتر در این مطلب به کتابهای زیر مراجعه فرمائید : اسکندر و دارا - نوشته دکتر اصلان غفاری ، چاپ طهران

۱۳۴۴ و یادداشتهای ذبیح بهروز در همین زمینه

۶- بهرام بیضائی - تاریخ نمایش در ایران - چاپ اول ۱۳۴۴ - ص ۲۳

۷- آندره گدار - هنر ایران - ترجمه دکتر بهروز حبیبی - ص ۱۸۵

یونانی تزئین میشد. از دربار اشکانیان نقل میکنند که در تیسفون نمایش تراژدیهای " اوری پید" مورد پسند بوده و نقوش دیواری اغلب مهم از این نوع داستانها بوده است.

از آثار باقی مانده دوران سلوکی ها و پارت ها در خاک ایران در بیستون دو حجاری با وضع بدی بجا مانده که در روی آنها شبیه گودرز را که بر اسب سوار است میتوان تشخیص داد که تاج پیروزی بر سر دارد. " فیلوسترات" چنین توضیح میدهد در خانه ها و ایوانها بجای نقاشی بر روی دیوار از پارچه های زری براق یا پولک های نقره ای و نقش های زرین استفاده میشد. موضوع نقش ها مربوط به اساطیر یونانی بود. بطورکلی بقول پروفیسور گدار آنچه ما اکنون هنر پارت میشناسیم " مخلوطی بدون رابطه محسوس با عقاید و رسوم باستانی مشرق زمین در شکل یونانی و در نهایت درجه انحطاط است. " وقتی پنج قرن و نیم بعد از سقوط تخت جمشید خانواده ساسان که اصلاً مردمی پارسی بودند روی کار آمدند و قدرت را بدست گرفتند سواران اشکانی برق آسا شکست خوردند و بطرف شرق فرار کردند و تمدن ایرانی دوباره حاکم بر مقدرات ایران شد.

اردشیر ساسانی در سال ۲۲۶ میلادی وارد تیسفون شد و بنام شاه ساسانی تاجگذاری کرد. قدرت ساسانیان در حدود چهارصدسال بطول انجامید. کاخهای باشکوه ساسانیان و حجاریهای روی صخره ها، مهرها، اشیاء نقره، منسوجات ابریشمی، قالبها و غیره گنجینه های باز مانده از آن دوران هستند.

از لحاظ سبک هنری در آغاز دوره ساسانی اسلوب جدید و موضوعات کاملاً آسیائی و شرقی بوجود آمد که درست نقطه مقابل روح هنری یونان بود. فرم هندسه ای موزون جای اشکال ظریف و نرمش دار یونانیان را گرفت. در حجاریهای دیواری بازی سایه و روشن دیگر بخاطر لطف و زیبایی و آرایش خطوط دنبال نمیشد. مهم برگزیده نمودن نقش شاه و اهورمزدا در صحنه های مذهبی و شکار و جنگ بود. بر طرحهای ساسانی اشکال گوناگون از حیوانات مختلف مانند اژدها، شاهین و یا نقوش دیگر مانند نخل مروراید که به حد سادگی رسیده و در نوازی با هم ترکیب شده بودند بچشم میخورد. با وجود این بنظر میآید که مجموعه آنها جز از نظر تزئین دلیل دیگری ندارد. آیا بالاخره روزی بشر موفق خواهد شد که ریشه مبهم و پیچیده این همه نقوش تزئینی را دریابد تا شاید از این راه روزنه ای به تمدن آنزمان و تمدن های اطراف ساسانی گشوده گردد؟

به نقاشی های طاق بستان در دوران ساسانی در قرن ششم میلادی نگاه میکنیم، در آنها چنان ظرافت و دقتی بکار رفته که نماینده قرن ها تمدن ملت بزرگی است در عین حال طرحی که نماینده سمبل بیگانه باشد در آن یافت نمیشود. دیوارهای طاق بستان نه کار یک حجار است و نه عمل یک نقاش. آنجا نمایشگاه هنر ظریف زرگری است.

در کارهای ساسانی بیشتر به شکل و شمایل زن برمیخوریم که نمونه احترام خاص به زنان در آن دوران است. کاخ تیسفون بعقیده بعضی با اندود رنگی و بنظر عده ای دیگر با ورقه مس طلائی پوشیده شده بود. دیوارهای عظیم این قصر از پارچه های ابریشمی و نوعی موزائیک سنگی تزئین شده بود و در قسمتی صحنه محاصره انطاکیه توسط خسرو اول و جنگ های اطراف آن بنظر میرسید. در نیمه اول قرن بیستم موزائیک های زیبای نیشاپور به دست مستشرقین کشف شد که زیباترین اثر موزائیک سنگ در ایران است.

در زمان ساسانیان عده زیادی از طرفداران مانی که مورد آزار قرار گرفته بودند به شهر تورفان چین و مغولستان رفته در سبک چینی تصرفاتی نموده و مکاتب جدیدی بوجود آوردند. سبک مانی سرمشق نقاشان چینی قرار گرفت و پس از قرنها با مغولان به ایران بازگشت.

فیلکس اکرمین پوپ همسر پروفسور پوپ ایران شناس نامی فرم صورت انسانها را در نقاشی ها و حجاریها و مجسمه های دوران باستان قبل از حمله عرب مورد مطالعه قرار داده و با آوردن شواهد و امثال و اسلاید ها و عکس ها از نمونه های بسیار مهم که در موزه های بزرگ دنیا و مجموعه های خصوصی گردآوری شده در کتاب " نظری به هنر ایران " که در ۱۲ جلد منتشر شده فرم مشخصات صورتها را به این شکل گزارش نموده است :

۱- فرم ساده دوران هخامنشی متأثر از دوران آشوری

۲- فرم هلنستیک متأثر از هنر یونان متعلق به دوران تسلط اشکانیان و اوائل دوره ساسانی

۳- فرم کاملاً ساسانی نماینده پوشش و آرایش ایرانی

۴- فرم صورت سفدیان (ناحیه شمال شرقی ایران) با بینی بزرگ و چشمهای عمیق در زیرابروهایی پرپشت

۵- صورت پهن ترکی با چشمهای مورب کوچک

تیسفون پایتخت امپراطوری ساسانی در سال ۶۳۷ پس از جنگ قادسیه با اعراب سقوط کرد کمتر از بیست سال بعد از آن در سال ۶۵۶ پیش از مرگ سومین خلیفه مسلمین اعراب به تمام معنی نواحی فلات ایران به استثنای مکران تا نورتین نواحی یعنی بلخ رسیدند. در سال ۷۰۰ میلادی اولین مهاجرت زرتشتیان بطرف هند صورت گرفت .

حمله اعراب به ایران و قبول دیانت اسلام از طرف مردم تأثیر شدیدی در هنر ایران نمود . صورت سازی ، نقاشی ، مجسمه سازی ، موسیقی مذموم شمرده شد سکوت درباره هنر و هنرمند قرنها بطول انجامید.

هنرمندان راه های دیگری برای بروز احساسات هنری خود یافتند . علاقه به تزئین و تذهیب کتب، کاشی کاری ، خطاطی تزئینی، قالی بافی ، سرامیک سازی ، پارچه بافی و ساختن ابنیه مذهبی ونظائر آن مورد توجه هنرمندان قرار گرفت. گرچه در قرآن آیه ای درتحریم هنرنقاشی نازل نشده ولی ازقرن دوم هجری به بعد احادیثی مورد توجه قرارگرفت که بنابراین احادیث هرنوع صورت گری تحریم شد. بنای کلامی این حکم این بودکه میگفتند درعالم مصوری جز خدا نیست مثلاً نقاش و مجسمه ساز صورتهائی از موجودات زنده تصویر میکند که مختص خداست بنابراین عمل شرك انجام میدهد. به همین دلیل بود که هنرمندان دوران پس ازاسلام به ملاحظات فلسفی و دینی تصاویری بوجدآوردند که موجودات چاندان بخصوص صورت انسان در آن با واقعیت مطابقت نداشته باشد. روح ایرانی درهنزیران همیشه عامل اصلی بوده که برپیش آمدهای تاریخی دراوایل حادثه بزحمت قابل تشخیص است ولی بمحض فراهم آمدن موقع مناسب پیروزمندانه تجلی مینماید. نبوغ ایرانی تقریباً در مدت سه ربع قرن گذشته از شکست ساسانیان هنوز پیروز بود پس از آن بعلت نبودن زمینه مساعد برای مدتی پوشیده ماند.

در حقیقت در اوائل حمله اعراب تمدن اسلامی سازنده نبود. معماری اسلامی در حالی شروع به کار کرد که فاقد هر نوع علم و اطلاع و سابقه باستانی در هنر معماری و تزئین دیواری بود . در آغاز اقسام طرق ساختمانی را که در مورد دیوارهای تزئینی ، موزائیک ، نقاشی و حجاری کشورهای همجوار مرسوم بود بدون آنکه یکی را بر دیگری برتری دهد بکار برد دراوائل کار حکومت فقط فرمان میداد و سفارش میکرد و در چگونگی کار مداخله نمی نمود اما بالاخره در راه تربیت و تکامل هنر و هنرمند پیشرفت نمود آنچه را با مقتضیات دینی و فکری او هماهنگی نداشت و با سلیقه اش سازش نمی نمود حذف کرد در واقع معمار شد نه سازنده .

اکنون به چند نمونه از کارهای هنری دیواری در اوائل اسلام اشاره ای مینمایم : بدستور خلیفه اموی

عبدالمک در سال ۶۹۱ میلادی قبة الصخره در اورشلیم که بنام مسجد عمر معروف است ساخته شد. سازندگان آن کارگران مسیحی بودند و حجاران و موزائیک سازان بیزانسی دیوارهای آن مسجد را تزئین نمودند. اخیراً آندو از روی موزائیک های مسجد بزرگ اموی تراشیده شده و دیوارها قابل تشخیص است که خصوصیات مسیحی این بنا را محقق میسازد.

در اواسط قرن هشتم بطور دقیق در سال ۷۵۰ میلادی حادثه ای رخ داد که درسرنوشت عالم اسلام خصوصاً فرهنگ ایران تأثیر فراوان داشت و آن واژگون شدن سلطنت اموی بدست خلفای عباسی و انتقال حکومت از سوریه به بین النهرین و استقرار رسوم ساسانی و نفوذ ایرانی در کارهای هنری علی الخصوص دیواری در حکومت عباسی بجای نفوذ بیزانسی بود.

ابن خلدون میگوید: " هنگامیکه اعراب پیروی احکام اکید دین خود را ترک کردند و مزه شیرین رفاه را چشیدند از ایرانیهای تحت تسلط خود هنر معماری و تزئین دیواری را فرا گرفتند مدرمسجد بزرگ سامره، مسجد ابودلف، ایوان کاخ المتوکلیه که شاید روزی کاخهای ساسانیان بوده از گچ بریها، قابسازیهها، نقاشی های دوران ساسانی منتهی در فرم هندسی شکل ساده و بی روح دوران اسلامی اثرها می بینیم. خلفای عباسی با اقتداری که داشتند توانستند امر به ساختن مساجد بنمایند اما نتوانستند روح يك معماری و نقاشی بیگانه را به آینده ایران تحمیل کنند.

طوای نکشید که طرح مسجد عرب از معماری زنده ایران محوگردید، همچنانکه قرن پنجم به پایان رسید طرحها کاملاً روحیه ایرانی داشت. بسیاری از کارهای دیواری دوران سلجوقی و ساسانی بهم شبیه هستند با تفاوت آنکه اسلام نقشهایی بر دوران سلجوقی افزوده است. داستان نقش های دیواری قصر کوشک مربوط به دوران غزنوی در کتابها آمده است. سلطان محمود و پسرش مسعود باهمه ادعای مسلمانی غرق در فساد بودند. دیوارهای قصر کوشک توسط نقاشان دربار مسعود مملو از نقاشیهای آمیزش زنان و مردان میگردد و جاسوسان خیر به محمود میدهند. او مأمور برای نابودی نقشها به دربار مسعود میفرستد که رندان زودتر به مسعود خیر داده بودند و دیوارها قبل از ورود مأمور سلطان محمود گچ آندود گردیده بود.

بنا بر مطالعات تاریخی شواهدی درست است که شیوه ای از نقاشی که اکنون پرسپکتیو یا ژرف نمائی نامیده میشود روی دیوارها و در بین هنرمندان ایرانی تا حدودی رایج بوده (۸). جمله کوتاه در باب " شیر و گاو" در کلیله و دمنه که بو شغال زیرک و دانا با یکدیگر سخن میگویند موجود است. دمنه نقشه خود را برای نزدیکی به شیر شرح میدهد و میگوید: میتوان از نقاش ماهری استفاده کرد که قادر است صورتهائی بر سطح دیوار بکشد به گونه ای که برجسته بنظر آید باین وسیله کلیله و دمنه که از روی متن پهلوی توسط ابن مقفع که نام اصلی او (روزبه فرزند دانویه) است ترجمه شده سابقه این نوع نقاشی (پرسپکتیو و در سطح دیواری) را به نیمه اول قرن دوم هجری یعنی زمانی که هنوز شیوه اسلامی شکل نگرفته بود میرساند.

بنا بر تحقیقات " بازیل کری " مستشرق معروف تا قبل از مغول محل و صفحه اصلی برای نقاشی در تمدن اسلامی دیوار بوده است ولی از زمان مغول به بعد با تحوای که پیش آمد صفحه نقاشی در درجه اول صفحات کتاب شد. (۹)

۸- مجله نشر دانش چاپ طهران سال هشتم شماره پنجم ۱۳۶۷ نوشته نصرالله پور جوادی

۹- بازیل کری در نوشته " سنت نقاشی دیواری در ایران" چاپ ۱۹۷۹ در کتاب Highlight of Iranian art:

مقریزی نویسنده مصری (۷۶۶ تا ۸۴۵ هجری قمری) به يك حکایت دیگر که مربوط به قرن چهارم هجری مصادف با سفر ناصر خسرو به مصر اشاره میکند . محل واقعه مجلس " یازوی " خلیفه فاطمی است و مسابقه دو نقاش یکی ایرانی و دیگری مصری که با استفاده از علم ژرف نمائی بتوانند مجلس جالبتری را نقاشی کنند . (۱۰)

بنابراین شیوه نقاشی پرسپکتیو در بین ایرانیان ناشناخته نبوده و احتمالاً نقاشان ایرانی از آن استفاده مینموده اند .

نقاشی های قصر عمره که در قرن اول هجری در اردن هاشمی بوجود آمده مؤید صحت این مدعاست . اسلوب این بنا رومی یا بیزانسی است . بر دیوارهای سرپینه حمامها نقاشیهای است از یزدگرد سوم و امپراطور بیزانس و پادشاه حبشه و مناظری از شکار و استحمام و ورزش با تصاویری از زنان برهنه . این تصاویر قدیمی ترین نقاشیهای دیواری در تمدن اسلامی است که عموماً از پرسپکتیو برای بوجود آمدن آن استفاده شده است .

هنرمندانی که در تمدن اسلامی بمرور زمان بنا بر معتقدات دینی میخواستند دست از خلق این عالم و موجودات جزئی آن بردارند ناچار شدند همه ترفندها را در نقاشی بکناری بگذارند . اینجاست که ژرف نمائی ، پرسپکتیو ، سایه روشن ، برجسته نمائی از نقاشیهای اسلامی حذف میشود . سلیقه تحمیلی حامیان هنر و اینکه هنرمند ناگزیر بود برای کسب حمایت متناسب با وضع اربابان خود از درباری به دربار دیگر برود یکی از دلایل مشکلاتی است که بر سر راه يك سنت ملی قرار دارد .

در نسخ " مقامات حریری " و دیگر آثار قرن نوزدهم میلادی می بینیم که نبوغ هنرمند ایرانی موقتاً خفته بنظر میآید اما قدر مسلم آنست که پیش از قرن سیزدهم میلادی نمونه های این دوره یعنی جامع التواریخ رشیدالدین و شاهنامه نمایانگر کوشش در جذب تأثیرات هنر چینی است . پس از ترکازی مغول و تشکیل سلسله های مغولی نقاشی ایران بر مبنای نقاشی چینی که خود متأثر از دوران مانی و مانویان که به چین رفته بودند قرار گرفت در دو قرن ۱۴ و ۱۵ میلادی به قدرت خود رسید . دربار هرات بزرگترین پایگاه هنر شد . مخصوصاً در زمان شاهرخ فرزند تیمور که طبع و اندیشه اش به هنر پروری متمایل بود دربار هرات و سبک نگارگری ابتکاری حاصل نمود و مکتب مستقلی شد . ایران کشوری است که نیروهای نیکی و بدی همیشه در جنگ بوده اند در پی وحشیانه ترین و مخربترین تهاجمات دوره ای رسید که جانشین فاتحین اهل نوق بودند و ارباب علم و هنر را مورد تأتید قرار میدادند . مانند بایسنقر نوه تیمور که در زمان او کلیله و دمنه و شاهنامه به نقش در آمد . و کتیبه بزرگ مسجد گوهرشاد در سال ۱۴۱۸ میلادی منسوب به اوست . سلطان ابراهیم از پسران شاهرخ که بر شیراز حکومت میکرده از حامیان و مروجین هنر در دوره تیموری بوده است سبک شیرازی در زمان او پای گرفته است .

پس از موفقیت شاه اسماعیل صفوی بدستور او عده ای از هنرمندان هرات از جمله بهزاد بزرگترین نقاش عصر تیموری به تبریز کوچانده شدند . متأسفانه تداوم فرهنگی در ایران هیچوقت بیش از صد یا دویست سال ادامه نداشته تا مؤسسه فرهنگی براه میافتاده حوادث بطوری فراهم میشده که متجاوززی بساط را در هم میریخته است . در زمان شاهان صفوی با همه آنکه شاهان حامیان هنر بنظر میآمده اند ، بعلت تعصبات دینی و ناسازگاری محیط چه بسیار از هنرمندان که به مهاجرت رفتند و در هندوستان چه

۱۰- کتاب المواعظ و الاعتبار بنکر الخطط و الآثار (معروف به الخطط) تقی الدین احمد مقریزی - چاپ انست - مکتبه المثنی -

بسیار مرقع های زیبا که توسط نقاشان مهاجر تهیه و ترسیم و به خط زیبا نگاشته شد. (۱۱) .
در کتاب جدید آقای کریم زاده تبریزی که در لندن بنام " نقاشان قدیم ایران " بچاپ رسیده بنام ۷۰۲ نقاش اشاره شده است . در این کتاب نام بسیاری از هنرمندان آمده که یا مانند بهزاد توسط پادشاهان وقت از جانی به جای دیگر برده شده اند و یا از ترس معاندان جلای وطن نموده و به دربار سایر شاهان همجوار خصوصاً کورکانیان پناه برده سالم ترین تفریحی که برای خود فراهم کرده اند تذکره نویسی ، شعرخوانی و نقاشی دیواری و تذهیب و نقش کتب بوده است . به هرحال شکوه و جلال نقاشی ایران با ظهور بهزاد پدیدار میشود. در این مکتب عناصر آمیخته سنتی و جدید بطور کامل باهم ترکیب میشوند و کیفیت ارائه به اوج خود میرسد .

نوع دیگر از تزئینات دیواری در ایران کاشی کاری است . تزئین بوسیله آجر کاشی و مینائی و منقوش و کاشی کاری های برجسته پیش از دوره مغول از متعلقات معماری ایران بوده . پس از نورانی که فقط کاشی ها برنگ فیروزه ای بودند در زمان قازان خان کاشی رنگارنگ بوجود آمد در زمان صفویه از لحاظ ظرافت به اوج خود رسید. در طی سه قرن تا زمان شاه عباس اول کاشی کاری بطوری توسعه یافت که ابنیه مذهبی یعنی مساجد، مدارس، خانقاه ها، مقابر و غیره از داخل و خارج بنا با کاشی کاری آراسته شد از سال ۱۳۵۷ میلادی نوعی کار کاشی بنام معرق بسرعت رو به ترقی رفت چون ساختن آن هزینه زیاد در برداشت در زمان شاه عباس اول تبدیل به کاشی های مربع منقوش گردید. ناگفته نباید گذارد که کاشیهای چهارگوش در مقابل گرما و سرما مقاومت زیاد ندارند. رنگ کاشی ها در زمانهای مختلف در ایران پس از صفویه تغییر نمود و هر چند سالی رنگی مورد پسند بود تا در زمان زندیه مینیاتورها در سطحهای بزرگ دیواری در زمینه سفید بوجود آمد. صورت شخصیت های رسمی ، پهلوانان ملی ، صحنه های معاشقه و شکار تحت تأثیر نقاشی اروپائی در روی دیوارهای بزرگ نقش گردید.

همچنین که نقاشی های دیواری در کاخ های بزرگ سلاطین صفوی راه یافت نقاشان زیردستی چون رضا عباسی و شاکردش معین بوجود آمدند. با اطمینان میشود گفت که پایان سلطنت شاه عباس اختتام عصر درخشان مینیاتور ایران بود.

دوره زندیه و قاجار از لحاظ کاشیکاری دارای سبک بخصوصی است . در دوران قاجار سبک بخصوصی برای تزئینات دیواری بوجود آمد که نقاشان محلی کاشی کار آنها اداره می نمودند بسیاری از دیوارهای شهر شیراز با علاقه عاشقانه به گل سرخ و میخک و زنبق های درشت با برگهای بلند نقاشی میشود. این ترکیب های تزئینی اگر چه مناسبتی با فرم ابنیه نداشت ولی از زیباترین کارهای قرن نوزدهم است . ناصرالدین شاه عده ای را برای تحصیل نقاشی و نقش بر روی کاشی به اروپا فرستاد. کاشی ساز بسادگی نمیتوانست کارهای اروپائیان را تقلید کند بنابراین حاصل کار او در بازگشت به ایران و ایجاد چند کار کاشی سازی در روی دیوار ادارت چندان جالب نبود. تزئینات ساختمانی و دیواری بطور کلی که در قرون گذشته عالی و باشکوه بود در این دوره فاقد روح گردید. باید اذعان نمود که در دوران زندیه و قاجاریه پیکرنگاری معمول شد. نفوذ سیاسی و فرهنگی خارجی در کار نقاش ایرانی اثر بیشتری کرد و کیفیت ایرانی آنها منحرف ساخت .

۱۱- در سال ۱۹۸۳ در موزه " فورت ورد " تکراس نمایشگاهی دائر شد که از دوره پادشاهان کورکانی هند نقاشی های بسیارزیبا فراهم آمده بود. این نمایشگاه به همت پرنس آتاخان محلاتی در نقاط مختلف عالم به نمایش گذارده میشود. درذیل بسیاری از نقاشی ها و مینیاتورها نام نقاشان مشهور ایرانی دیده میشود

سبك های نقاشی ایرانی قبل از كمال الملك و ایجاد شیوه های جدید به سه گروه تقسیم میشود:

۱- مینیاتور به شیوه سنتی گذشته مانند نقاشی و تذهیب داخل کتب

۲- نقش پردازی به شیوه گذشته و تلفیق آن با استفاده از طبیعت در قطعات بزرگتر مانند تابلوهای زمان قاجار

۳- تقلید از طبیعت صرف و شبیه سازی مانند نقاشی چهره شاهان و شاهزادگان

هنر غرب و نقاشی رنسانس در بسیاری از کارهای نقاشان ایرانی تأثیر نمود و شیوه های جدیدی را بوجود آورد. بعد از مراجعت کمال الملك از اروپا و انتخاب نقاشی بر مبنای شیوه پرسپکتیو و تحت تأثیر نقاشان اروپائی، تحول کاملی در نقاشی ایران حاصل شد. برای اولین بار انسانها از فقیر و غنی در حالتی واقعی نقش گردیدند. در قرن بیستم در مورد نحوه کارهای هنری بحث بسیار است. رشته ها و سبک های جدید نقاشی اروپائی در کار نگارگران ایرانی تأثیر فراوان بجای گذارد.

در سال ۱۳۲۷ شمسی در موقعی که درست ۶۰ سال از مبارزه نقاشان اروپائی در نشان دادن شیوه ها و مکاتب نو در اروپا میگذشت، سبک جنجالی کویسم در ایران نیز عرضه شد. نقاشان بر دو گروه تقسیم گردیدند. گروهی که نقاشی سنتی را می پسندیدند شیوه کلاسیک را برگزیدند و گروهی از استادان که در اروپا تحصیل نموده بودند به هنر مدرن روی آوردند. دانشکده هنرهای زیبا افتتاح شد و شاگردان بسیاری را بخود جذب نمود. در سال ۱۳۲۰ تا سه دهه بین استادان قدیمی و مدرن بر سر انتخاب راه نقاشی برای دانشجویان مرتباً بحث در میگرفت. در طی سالهای ۱۳۴۰ به بعد در ایران نقاشی دیواری بار دیگر معمول شد و از انواع آن بصورت سرامیک، ورقه های مس، کاشی معرق، فرسک های دیواری استفاده گردید. کارهای تزئینی دیواری در ابعاد وسیع در تالار رودکی، بانک ها، هتل ها، ساختمانهای دولتی و ملی و منازل راه تازه ای را گشود.

پس از انقلاب عده ای جلای وطن نمودند و بسیاری از هنرمندان با وجود مصائب و مشکلات در ایران باقی ماندند. ضربه ای به روح هنرمندان برون مرزی و درون مرزی وارد شد.

تخصیبات دینی، بیهوده شمردن هنرها، از جان گذشتگی هنرمندان بهائی و شهادت آنها، عدم آزادی در داخل ایران و تلاش و کوشش برای ایرانی ماندن، همیاری و همکاری خانواده ها برای گردش چرخ زندگی، تلاش معاش، رنج و انوهِ دوری از زادگاه و فامیل، از دست دادن دوستان به جرم عقاید مختلف دینی و مسلکی باعث شد که برای مدتی اغلب هنرمندان در مقابل ظلمی که به آنها و به مملکت آنها رفته بود سکوت اختیار کنند.

در این چند سال اخیر از اطلاعاتی که در نشریات داخله ایران به چاپ میرسد و ارسال انواع کارتهای نقاشی و پوسترهای مختلف که بدست ما میآید متوجه میشویم که عنایت ایرانیان به دیدار از نمایشگاه های نقاشی بیشتر شده است. هنرمندان جوان انتخاب بعضی از سمبل ها و نمونه هارا برای نقاشی نشانه ای از احساسات درون خود یافته اند. بهرحال بنظر میآید که نگارگری زبان گفتگوی جدیدی برای اجتماعات مختلف شده است. آفتاب هنر همیشه در پشت ابر پنهان نمی ماند.

هنرمندان عمیقاً رسالت دارند که بوسیله خط و نقاشی احساسات صحیح خود را ابراز دارند. پس از مطالعه تاریخ هنر خصوصاً در منطقه ایران و سیر تکاملی آن این مسئله را باور میکنیم که هنر خصوصاً نقش آفرینی وسیله ارتباط ما با تمدنهای قبلی بوده است.

هنرمندان بسیاری از اوقات حاملان، امانت داران، حافظان يك فكر، يك ایده و پدیده خاصی بوده اند که اگر آنرا نگر نمی نمودند و یا نقش نمیکردند شاید برای همیشه از صحنه تاریخ و فرهنگ آدمی محو

میشد . بنظر میآید زمان آن رسیده که بوسیله هنرمندان دردهای اجتماع بازگو شود و رسالت و نقش هنرمند در جهان محقق گردد. خوشبختانه بنظر میآید که تماشاگران جهانی در خلال نقش پردازنها به دنبال پیام های جدید هستند

دیانت بهائی و رسالت هنرمند

مطلب بسیار مهمی است که قطعاً باید در پایان مورد گفتگو قرار گیرد. حضرت ولی عزیز امرالله روش خاص هنر بهائی را مورد عنایت قرارداده میفرمایند:

" هر چیزی که در دسترس جامعه قرار میگیرد بایستی چه از لحاظ ادبی و چه از لحاظ هنری عالیترین نوع و نمونه باشد . " (ترجمه)

و همچنین در همان پیام میفرمایند:

" روش بهائی حتی در زمینه ادبیات و هنر به هیچ وجه نمیتواند با نظریات و افکار و روشها و عادات و زیاده رویهای عصر منقهر کنونی آمیخته شده و یا شباهتی به آنها پیدا کند . " (اخبار امری امریکا شماره می ۱۹۳۲)

از خلال بیانات ، الواح ، نظریات مختلف که در آثار امر عظیم بهائی بچاپ رسیده رسالت هنرمند به نوع ویژه و با اعتلا و ارزش دیگری سوای آنچه در ظاهر جهان فعلی می بینیم مورد توجه قرار گرفته است . آنچه باستحضار میرسد گوشه ای از رسالت هنرمند بهائی خصوصاً در آینده است .

هنر در آینده باید احساسات لطیف را ترویج دهد. مقصود از هنر فقط انتقال احساس نیست . هنرمند باید مروج صلح ، دوستی ، لزوم تساوی زن و مرد، وحدت عالم انسانی ، ترك تعصبات و عشق به هم نوع باشد. صدها مسائل حاد جهان را به وحشت تهدید میکند و حوادث بی وقفه و امان در دنیا بظهور میرسد زمان سکوت هنرمندان راستین نیست . هنر در آینده در انحصار عده ای ثروتمند و خواص نباید قرار گیرد. در تاریخ هنر نقاشی دیواری در ایران ملاحظه شد که بیشتر خلق آثار هنری جهت دربارها ، پادشاهان و امرا بود. امیدست که هنرمندان آینده هنر را در خدمت به اجتماع و مردم خلق نمایند.

هنر فرمایشی با آنکه در اوائل هیجان ایجاد میکند ولی هرگز پایدار نیست . به مجسمه های بعد از انقلاب کمونیستی در روسیه نظری بیافکنید که عموماً هدف سیاسی خاصی را دنبال میکرد. باین جهت کارهای این دوره بخصوص خشک و بیروح بود و در چهارچوب معینی قرار داشت . هنر جهان آینده در خدمت انسانها و برای ترقی و تعالی روح آنها و برای مفهوم عالیتری بوجود خواهد آمد. قبلاً ملاحظه شد مرقع های زیبا که طی سالیان دراز بوجود آمد فقط در میان صاحبان ثروت باقی ماند مقداری از بین رفت و تعدادی به موزه ها منقل شد. هنر آینده باید در دسترس خلق و اجتماع باشد و همه مردم از آنها منتفع گردند. در جهان آینده نقاشی بخاطر کیفیت نوع آن ایجاد خواهد شد و مسائل مالی محرك خلق آن نخواهد بود . هنر تنها برای لذت ، سرگرمی ، فرار از افسردگی و تحریک احساسات شهوانی نیست . جنبه مثبت زندگی را دیدن ، ارج بر خوبیها گذاردن ، شکافتن دردها و درمان بر آنها از وظایف هنرمند است .

هنر جهانی در جهت استفاده از همزیستی ، آشنائی ملت ها با تمدن و تاریخ یکدیگر خواهد بود خلاصه زبانی خواهد بود که همه مردم دنیا بتوانند آنرا درک کنند از آن بیاموزند و لذت ببرند . تولستوی در کتاب هنر چیست که در سال ۱۹۰۷ در مسکو به چاپ رسیده میگوید :

" اگر هنر قادر است با سرود مهیج انسان ها را به میدان جنگ بفرستد همان هنر قادر خواهد بود که جای دادگاه ها را بگیرد و انسان را به صلح و آرامش رهبری کند "

" اگر هنر قادر است که انسان را در مقابل بت ها و انسانهای دیگر زیون سازد همان نیز میتواند باعث

اعتلای روح او نیز گردد .

حالات و حرکات هنرمند نمونه طرز فکر اوست . آلودگیها و درگیریهای ظاهری که در بعضی از اجتماعات هنرمندان بظهور میرسد مورد تأیید هنر جهانی بهائی در آینده نخواهد بود . اگر قبول شود که در هر جامعه روشنفکران ، هنرمندان ، معلمان شاخص آن اجتماع هستند، باید آنها را پرچمداری ببینیم که نباید ارتباط خود را با مردم قطع کنند تا زمانی که پرچم آنها دیده شود مردم نیز آنها را تعقیب خواهند کرد .

یکی از راههای تبلیغ صامت، بدون گفتگو و مؤثر و ساده هنر نقاشی است . میتوان از طریق هنر حامل پیام امر عظیم جهانی حضرت بهاء الله بود. بلوغ عالم زمانی است که از نیروها استعدادهای جوششی درونی انسانها همراه با کوشش برونی برای بوجود آوردن هنر واقعی استفاده بعمل آید. حضرت عبدالبهاء در تبیین این حقیقت اصلیه چنین مرقوم داشته اند: " آنچه در مراحل بدوی و محدود گذشته بشر نیازمندیهای نوع انسان را برطرف میساخت از عهده حوائج دوره تجدد و بلوغ برنیاید زیرا انسان دیگر از آن مراحل بدوی محدود گذشته است و باید امروز به فصول و قوای جدید فائز گردد و قوانینی جدید و استعدادی جدید یابد(ترجمه) (نظم جهانی بهائی-ترجمه فتح اعظم- ص ۱۰۲)

درمورد افکار و استعدادات و شکوفائی هنر و علم در بین جامعه بهائی حضرت ولی عزیزامرالله میفرمایند: (Bahai administration صفحه ۶۶ ترجمه مصوب)

" فقط و فقط يك چیز بدون تردید و به تنهایی فتح و فیروزی حتمی الوقوع امر الهی را تضمین مینماید و آن اینست که زندگی درونی و اعمال خصوصی مامعکس کننده موارد و مواضع متعدد اصول مشعشعی باشد که بوسیله حضرت بهاءالله تشریح گردیده است ."

مآخذ

- ۱- هنر ایران ، پروفیسور گدار ، ترجمه دکتر بهروز حبیبی ۱۳۵۸
- ۲- نظری به هنر ایران در ۱۲ جلد
- ۳- آرمانهای انسانی در فرهنگ و هنر ایران ، رحمت الله مهران
- ۴- خاتون هفت قلعه ، دکتر ابراهیم باستانی پاریزی ، چاپ اول ۱۳۴۲
- ۵- نمایش در ایران ، بهرام بیضائی ، چاپ اول ۱۳۴۴
- ۶- نون جو و دوغ گو ، دکتر ابراهیم باستانی پاریزی ، چاپ اول ۱۳۶۲
- ۷- احوال و آثار نقاشان قدیم ایران ، محمد علی کریم زاده تبریزی ، جلد اول ، لندن ۱۳۶۲
- ۸- راهنمای تخت جمشید، حسین بصیری ، ۱۳۲۵
- ۹- مکتب کمال الملک ، وزارت ارشاد ، ۱۳۶۵
- ۱۰- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ، ۱۳۴۵
- ۱۱- Highlight of Persian art به کوشش دکتر احسان یار شاطر ۱۹۷۹
- ۱۲- خاطرات کاوشهای باستانی شوش ، مادام ژان دیولافوا
- ۱۳- کمال الملک ، وزارت ارشاد
- ۱۴- مقاله های آقایان دکتر نیرسینا و محمد تقی احسانی در فصل نامه ره آورد ، چاپ کالیفرنیا
- ۱۵- نشردانش نشریه مرکز نشر دانشگاهی طهران شهریور ۱۳۶۷
- ۱۶- سیر تاریخ نقاشی ایرانی ، ترجمه محمد ایرانمنش ، انتشارات امیرکبیر، طهران ۱۳۶۷
- ۱۷- مشرق زمین گاهواره تمدن ، ویل دورانت ، ترجمه احمد آرام